

نابود یاد جنگ: مرگ بر خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

دوره ۴، سال دوم
شماره ۲۶، مرداد ۶۵

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سر و پنامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

تحول انقلابی تنها چشم انداز

رژیم خمینی بنا بر ماهیت و خلقتش نه فقط قادر به حل بحرانهای اجتماعی نیست ، بلکه این بحرانها را هر دم سخت و حجت می‌بخشد . این رژیم که با بحران بوجود آمد ، با بحران زندگی و بسا بحران زایی به جنگ بحران می‌رود . تمامی اخبار و گزارشات از جامعه دال بر تشدید بحرانهای موجود در جامعه می‌باشد . رژیم خمینی به جنگ ضد میهنی و ضد مردمی‌اش همچنان ادامه می‌دهد ، بسیاری از جوانان و مردم ایران را به گوشت دم‌توب خود تبدیل کرده و اگر چه خود نیز به بن بست جنگ واقف است ولی هنوز از ادامه جنگ دم می‌زند و جندوار شعار " جنگ ، جنگ " را سر می‌دهد . جملاتی که رژیم خمینی طی چند ماه گذشته در جبهه‌های جنگ داشته اعم از اشغال فاو و با پس گیری صبران ، نتوانسته برای رژیم دست آورد کینفا جدیدی در جبهه‌ها ایجاد کند و بنا بر این باز هم فشار بر مردم برای چساول آنان بسود جبهه‌های جنگ ضد مردمی‌اش افزایش می‌یابد ، باز هم سربازگیری ، باز هم تشدید فشار بر کارمندان ، زنان ، کارگران و دهقانان برای مسیح ضد خلقی . اکنون دیگر مساله بن بست جنگ به سبک مساله روشن و واقعی تبدیل شده است . این جنگ به هر شکلی ادامه یابد برای رژیم خمینی پیروزی نظامی بهمراه نخواهد داشت . توب و تشرهای سران رژیم برای تحت فشار قرار دادن کشورهای منطقه در رابطه با کمک به عراق ، نتوانسته است برای رژیم وضع مطلوبی بوجود آورد . بعضافه ادامه جنگ و از دست دادن نیروهای گیتی رژیم در جبهه‌ها ، کاربرد نظامی نیروهای خمینی را کاهش داده است و این در حالیست بقیه در صفحه ۲

بیانیه شورای ملی مقاومت به مناسبت پنجمین سالگرد تأسیس شورا

هم میهنان عزیز ،
نیروهای رزمنده مقاومت ،
خواداران و پشتیبانان شورای ملی مقاومت ،
در روز سی تیر ، سالروز قیام ملی سال ۳۱ و استقرار مجدد دولت ملی و فد امپریالیستی دکتر محمد مصدق ، شورای ملی مقاومت ایران به ششمین سال زندگی خود گام می‌گذارد . سالی که سپری شده ، هم برای مردم ایران و جنبش مقاومت مردمی و هم برای رژیم منقور و ضد بشری خمینی ، سرشار از رویدادهای مهم بود ، از این رو سالی که در پیش رو داریم ، آستان حوادثی است که در تاریخ ملت مساهمیتی حیاتی خواهد داشت .

مسئول شورای ملی مقاومت ، در پیام ۲۲ بهمن ماه ۶۴ خود ترانزنامه‌ی هفت سال حکومت خمینی را که بر واقع عملکرد هفت ساله‌ی یک رژیم ضد بشری در کشور و ظلمت بی حد و مرز یک ملت است ، بطور مشروح ، به آگاهی مردم ایران رساند . از آن تاریخ تا کنون ، بروز اثرات ناشی از کاهش چشمگیر قیمت نفت ، تنها منبع درآمد ارزی رژیم ، همراه با افزایش جنون جنگ طلبی خمینی و نتایج اقتصادی

اخراج دسته جمعی کارگران وراه مقابله با آن

رژیم ضد انقلابی خمینی که با بحران عمیق اجتماعی روبروست و وضع اقتصادی اش به بحرانی ترین وضع رسیده است ، میکوشد تا با فشار هر چه بیشتر بر مردم به وضع اقتصادی خود سر و سامان دهد . وضع زندگی مردم بویژه طی شش ماه گذشته بسیار پائین تر از وضع فلاکت است . یکی از شیوه‌هایی که رژیم برای فشار بر مردم بدان متوسل میشود ، قطع اعتبار ارزی کارخانجات برای ورود مواد اولیه و سایر احتیاجات این کارخانجات است . سرمایه‌مداران نیز بدنبال این وضع کارخانه‌ها را به تعطیل کشیده و کارگران محروم ایران را از کار بیکار می‌کنند . طی یکسال گذشته این وضع شدت بسیار یافته و در چند ماه گذشته بیکار کردن کارگران بصورت یک موج مزایسته انجام گرفته است . در مقابل چنین سیاست ضد مردمی و ضد انسانی کارگران ایران باید متشکل و متحد شده و به مبارزه علیه عامل اصلی بیکاری یعنی رژیم خمینی بپردازند . برای این کارگران بشرو و مبارز باید به کارگران ایران بگویند که جلوگیری از اخراج و مساله اشغال بدون صلح آزادی بقیه در صفحه ۶

تلگرام مسئول شورای ملی مقاومت به دبیرکل سازمان ملل متحد

بنا به آخرین گزارشات رسیده رژیم خمینی گروهی از پزشکان را دستگیر و تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار داده و سایر پزشکان را نیز تهدید به دستگیری و سرکوب نموده است . این اقدامات سرکوبگرانه ، بدنبال اعتراضات مسالمت آمیز پزشکان ایران که از جدی پیش کشیدنظور جلوگیری از تسلط دستگاههای سرکوب رژیم بر نظام پزشکی ایران و تصویب و اعمال قوانین ارتجاعی و ضد بشری خمینی در مورد اطباء ، شروع بقیه در صفحه ۶

آقای خاور پره‌وکوشنلار ، دبیر کل سازمان ملل متحد آقای دبیر کل !
همانطور که حتما از طریق اخباری که از سوی منابع خبری رژیم خمینی مورد تأیید قرار گرفته مطلعید ، مقامات رژیم نامشروع خمینی از قبیل موسوی نخست وزیر ، خوشی‌ها داستان کبیر و محتشمی وزیر کشور ، یکی پس از دیگری جامعه‌ی پزشکان ایران را تحت شدیدترین فشارها قرار داده و با انحلال هیات مدیره سازمان نظام پزشکی ، تسلط دارند که بیشترین کنترل را بر آنان اعمال نمایند .

نامه جمعی از ایرانیان متقاضی پناهندگی در آلمان

توضیح نبرد خلق:
جریبات راست و راست افراطی در آلمان فدرال که قدرت دولتی را در دست دارند ، بر فشار خود بر متقاضیان پناهندگی در این کشور می‌افزایند . در این رابطه بخصوص مطبوعات و رسانه‌های خبری آلمان غربی یک موج وسیع تبلیغاتی علیه پناهندگان سیاسی آغاز کرده‌اند که هدفش تغییر در قانون پناهندگی به ضرر متقاضیان پناهندگی سیاسی بقیه در صفحه ۸

در این شماره:

- سخنانهای مقاومت
- در زندانهای خمینی بخش ۵
- اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت
- اخبار کوتاه و اخبار مقاومت
- شهدای فدایی
- برخی از رویدادهای تاریخی

له‌دوان درگذشت

در صفحه ۸

کنگره بین الملل سوسیالیست

در صفحه ۷

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

تغول...۰۰

بقیه از صفحه ۱

است که خمینی همچنان به نیروهای نظامی خود توسعه و نصیحت می‌کند که از اختلاف بپرهیزند. در زمینه اقتصادی وضع رژیم در بدترین وضع طی حسابات هفت ساله‌اش می‌باشد. پایین آمدن درآمد نفت و اشباع بازارهای نفتی، رژیم را در بحران ارزی شدید فرو برده است. حراج منابع ملی، توسط رژیم خمینی نتوانسته است به وضع ارزی رژیم سرو سامان دهد. بنا بر این بیشترین درآمد ارزی رژیم باید صرف خریدهای تسلیحاتی و احتیاجات جبهه‌های جنگ ارتجاعی شود و این وضع اقتصاد را به نقطه انفجار کشانده است. خرابی وضع اقتصادی رژیم به جایی رسیده که خود سران رژیم و بسیاری از دست اندر کاران بدان اعتراف کرده و مردم را به مسووری دعوت می‌کنند. فشار بر مردم چنان افزایش یافته که سابقه نداشته است. گوشت از زندگی حتمی خانواده‌های متوسط حذف شده است. پنیر که خوراک کم در آمدترین مردم بوده، اکنون تنها سر سفره خانواده‌های مرفه یافت می‌شود. وسایل پاک‌کننده یکی از بازارها خارج شده است و گردانندگان اقتصادی رژیم مردم را به زندگی سختی چندین دهه قبل دعوت می‌کنند. تولید صنعتی بحیران بیشتر از ۶۰ درصد کاهش یافته و بنا به اعتراف گردانندگان رژیم، در این زمینه رژیم اساساً هیچگونه راه حلی ندارد. وضع آب و برق در تابستان امسال، چهارم جامعه اقتصادی رژیم و وضع فلاکت بار مردم را به خوبی نشان داد. سطح زندگی مردم حقیقتاً به زیر صفر رسیده است. اکثریت مردم وضع خود را چیرگی بدتر از بدبختی توصیف می‌کنند. آنان می‌گویند ما واقعا در وضع اسفناکی قرار گرفته ایم. علاوه بر مردم همه فشارهای اقتصادی، فشارهای اجتماعی بر مردم نیز افزایش چشمگیری یافته است. سنگ سار کردن زنان که شماری از آنان را در نمره خلق‌های گذشته به اطلاع خوانندگان رسانده‌ایم، فشار بر کسبه جزء اخراج کارگران، سرکوبگری، جلوگیری از تفریحات عادی مردم، سرکوب اقلیت‌های مذهبی، سرکوب ملیت‌ها و بویژه گردستان، قهرمان، اعدام‌های پیاپی، اخاذی، پارتی بازی، فساد بی حد و مسرر اداری، رشوه گیری، فحشاء، اعتیاد و بالآخره جنگ خانمانسوز، استت آن سلسله مسائل گسسته از سفان وجود این رژیم خونخوار و ضد بشری است. حقیقتاً کلمات ضد خلقی و ضد انقلابی به تنهایی برای توصیف این رژیم کافی منظر نمی‌رسد. حکومت ولایت فقیه، ولایت جنگ، فقر و فحشاء است. محاله اکسپرس طی یک گزارش از جامعه ما چنین می‌نویسد: "درخشش‌های کوچک از یک زندگی شکننده و گذرا طوفان گذشته است، معاملات و ساخت و بخت‌ها دوباره رو می‌آیند. زندگی زیر زمینی دوباره آشکار می‌شود، بین شمال تهران، محله‌های تنگ آن، و پلاها، ی فوق العاده رسانش. و جنوب آن، فاضلابی وسیع با آلودگیهای بی‌خواب آور. حفره ایست که از ۲ سال

پیش سحر اسف انگیزی گشوده‌تر شده است" در همین گزارش نوشته شده که "در حالیکه ایران در اعساق خود، در حال احتضار است، در سکوت، آلودگیک بشین‌های شهرهای بزرگ با روستاهای تقریباً خالی از سکنه، جنگ ایران و عراق در همه جا حضور دارد. بیش از یک میلیون قربانی، صدها هزار بی خانمان معلول، بازماندگان مناقشه‌ای که پایانی ندارد، سرگردان از شهری به شهر دیگر تا سر اجسام در پایتخت بیافتند. و صفوف ۳ تا ۶ میلیون بیگسار رسمی با پنهان‌را طولانی تر کنند. امواج پی در پی لومین پروتوتاربا، در حالیکه از اجتماع‌های مسکونی دولتی، رانده می‌شوند. مجتمع‌هایی که پاسداران و شبه نظامیان در آنها ساکن می‌شوند، در کنار کارخانه‌های از کار افتاده یا در فاشلاب عظیمی که جنوب تهران است پناهی می‌یابند. آنها درخانه‌های کثیف، بدون آب و برق روی هم انباشته می‌شوند. بقاء در همسایگی‌های ناهماهنگ و هولناک تره تصور و خیال است. کاسی با چهار سکه پول، قاچاق‌های کوچک از همه رقم، بازار خرت و پرت، پیاده رویی که با هزاران جنس بی ارزش اشغال شده، هر روز در هر کوچه بساط فقر خود را پهن می‌کنند. سیگار خارجی که دانه به دانه فروخته می‌شود. لباس‌های دست دوم، آهن آلات، کیسول خالی گاز، پیست بزرگین کوپن مواد غذایی، گداها و بچه‌ها با لباس‌های نظیرین، با سیاحت تابران را دنبال می‌کنند. کودهای تهران نمایانگر بحال خود رها شده‌های "سنگ جامعه فرسوده است. بیگسارهای منابع رسمی، قاچاق مواد مخدر از سال ۱۹۷۹، در ایجاد بغایت نگران کننده‌ای افزایش یافته است" مجله اکسپرس شماره ۱۷ ژوئیه ۸۶

در این اوضاع و احوال بحرانی و بعلت تضاد شدید مردم با این رژیم جنایتکار، تضادهای درونی رژیم هر دم شدت می‌یابد. موقعیت جاح‌های درونی رژیم در وضعیتی است که گردانندگان خود رژیم بسندان اعتراف می‌کنند. عقب نشینی‌های خمینی بسبب جناح محافظه‌کار و بعضی امتیازات به آنها سبب خاموش شدن آنها شده است. رسانجانی در ملاقات با گردانندگان روزنامه رسالت می‌گوید: "تسبب اختلاف الان در کشورمان بالاست. دارید می‌بینید با مسئله کوچکی که مطرح می‌شود، طرفین به‌جمله زده می‌شوند و کنترل خودشان را از دست می‌دهند، برخاستن و اهانت می‌کنند. برداشتها همیشه برداشتهای معارضه است. الان این جو برای ما خیلی فرور دارد. در این شرایط جنگی که داریم محملش دشوار است" (اکمپان ۶۵/۴/۲)

رسانجانی طرف مقابل را تهدید می‌کند که مخالفت شما را تحمل نخواهم کرد و طرف مقابل به مخالفت خود در انعام گسترده تر ادامه می‌دهد. در این میان منتظری جنایتکار در ضد است تا نقش سوباب اضممان بازی کند و کاریکاتور ملجاء و مساوای "ایورسور" قابوس باسد. ولیمید خمینی می‌خواهد مثل "شما" تمام روزه‌ها را تسعد و

بدین وسیله برای جریانات رفرمیستی و خائسانه ای نه انقلاب آنان را جارو خواهد کرد. خوراک تهیه نماید. منتظری وقتی می‌گوید "دولت باید بسرای کارمندان و کارگران حقوق بگیر، فکری اساس بکند و از سوسید عمومی شهرها بکاهد و برای کارمندان و کارگران و کشاورزان و تولید کنندگان امکانات فراهم کند" و یا "برخورد روزنامه‌ها، مجلس و نهادها با یکدیگر و مسئولین باید بمنظور اصلاح باشد نه انتقام جویی و استهزا" (اکمپان ۶۵/۴/۲)، در واقع تنها دست‌آوردی که ایجاد می‌کند، سوزهای جدید برای جوله‌های تازه خواهد بود. بهر حال تضادهای درونی رژیم خمینی در تمامی ابعاد شدت و حدت یافته و همه جناح‌ها منتظر مرگ خمینی و تمغیه حساب با یکدیگر هستند. مردم همه اینها را می‌بینند و همه تضادهای را لمس می‌کنند و می‌دانند که سبب اصلی همه این وضع رژیم خمینی است. مردم ایران به اشکال مختلف ناراضی خود را نشان داده‌اند. حرکات کوچک و بزرگ در مخالفت با جنگ حرکات اعتراضی کارگران در مقابل فشارهای رژیم، و از همه مهمتر حرکت اعتراضی و سراسری پرشنگان ایران نشان داد که واقعا مردم ایران تسلیم رژیم نشده‌اند. مجله اکسپرس در همان مقاله گسزارش گونه خود می‌نویسد: "دیوارها سخن می‌گویند، در همه جا، هر فضایی با تصاویر عظیم رهبران، شهدای انقلاب، و شعارهای اسلامی پوشیده شده. تهران پایتخت "بی خاطره" خالی از حیات هم نیست. علیرغم حضور شبه نظامیان مردمی در همه جا نوشته‌های دیواری شتابزده ولی انتقامجو، رژیم ملایا را افشا می‌کند. بازبهای گزیده با کلمات نقاشی‌های جسورانه و اغلب غیر اخلاقی به عمامه و ریش حاکمان بار می‌شود. گشت‌های ویژه، مجهز به سطل رنگ، "ضد انقلابیون" را که دست به ریسکهای بزرگ می‌زنند، دنبال می‌کنند" (مجله اکسپرس، شماره ۱۷ ژوئیه ۸۶)

انتظار حرکات وسیع‌تری علیه رژیم از جانب ائتشار وسیع‌تری از مردم یک انتظار خیالی بوده، بلکه دلایل متعددی احتمال آنرا برجسته تر می‌کند، اما از آنجا که جنبش انقلابی کنونی مسیر انقلاب بهمن را بهمان شکل طی نخواهد کرد، در این زمینه باید بیشترین تاکید را بر نیروهای انقلابی مقاومت داشت که طی ماههای گذشته حرکاتشان وسعت پیدا کرده است. توطئه سکوت رژیم در رابطه با عملیات انقلاب بی مقاومت کاملاً در هم شکسته شده و اکنون این مقاومت انقلابی مسلحانه است که راه پر شکوه ندارد. قیام را طی می‌کند و به عامل تعیین کننده در رابطه با خنثی کردن توطئه‌های رژیم و نیروهای سازشکار تبدیل شده است. در مقابله

نیروهای مقاومت بهمان گونه که سیری پر شکوه فراز دارد، راهی سخت نیز باید طی شود. انقلاب ایران در این مرحله نه سازندگی لحظه به لحظه نیروی انقلابی مردمی سازمانده است و در این راه کامپهای موثر برداشته شده است. تضاد فرانسید

بقیه در صفحه ۷

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - همکراتیک خلق‌های ایران است

بیانیه...

بقیه از صفحه ۱

و اجتماعی مترتب بر آن، وضع اقتصاد کشور را به جایی رسانده که دیگر از اقتصاد دوران فحطی قابل تمیز نیست. افزایش فشار روزمره زندگی، گرانسی سرام آور و بی مهار نیازمندیهای اولیه مردم، شدت گرفتن فقر و بیکاری و، همزمان با آن، توسعه همه جانبه فساد و دزدی و غارت، آخرین توش و توان مردم را به پایان رسانده و زندگی در جهنم خمینی زده را برای هم میهنان شریف ما غیر قابل تحمل کرده است. از هم گسیختگی اقتصاد کشور و شسرازه زندگی مردم روز به روز به مرز فاجعه نزدیکتر میشود و جنون فزاینده جنگ طلبی رژیم و فشار برای کشاندن جمعیت کشور به کشتارگاه جنگ، شتاب سقوط را در چندان میکند. در سخنان دیوانه وار سردمداران رژیم دیگر نه در پرده و نه اشاره، بلکه آشکارا و بصراحت، سیاست "سرزمین سوخته" تبلیغ می شود. در این چشم انداز، طرح "تعمین تکلیف" در مقیاس کشوری، اگر معنایی داشته باشد آن معنا چیزی جز انتخاب بین مرگه فوری و مسرکه تدریجی نیست: مرگه در میدانهای مین، زیر بمب و رگبار گلوله یا مرگه بر اثر احتمال، فقر، بیکاری بیماری و بی غذایی. در این میان، تضادهای درونی باند های قدرت طلب حاکم نیز اکنون چنان ما را گرفتار است که در سرمقاله روزنامه حزب حاکم، به تاریخ ۲ تیر، به صراحت اعلام میشود که کینه ورزی این باندها نسبت بهم شدتی بیش از کینه آنها نسبت به دشمنان "اسلام و انقلاب" شان دارد.

در تقابل با این وضع، اعتدای جنبش مقاومت مسلحانه نیز به جایی رسیده که اینک میتواند به درستی ادعا کرد که وارد مرحله سرتوت ساز شده است. طی سال گذشته، شورای ملی مقاومت، با همه سنگ اندازیها، خرابکاریها و توطئه های ننگین رژیم ضد بشری و حامیان داخلی و خارجی، توانست در صحنه بین المللی به پیروزیهای چشمگیری دست یابد. اعلام محکومیت رژیم خمینی به سبب نقض حقوق بشر، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۵ آذر ۶۴، محکومیت مجدد رژیم در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ۲۳ اسفند ۶۴، به رغم تسلط بی سابقه رژیم برای مقابله با نمایندگان مقاومت در اجلاس کمیسیون، امضای بیانیه حمایت از سیاست صلح شورا و محکومیت سیاست جنگ افروزان خمینی توسط ۶ هزار تن از شخصتهای سیاسی بین المللی از ۵۷ کشور و پذیرش این بیانیه به عنوان قطعنامه رسمی توسط پارلمان اروپا در ۲۸ فروردین ۶۵. از دستاوردهای مهم شورای ملی مقاومت در زمینه دیپلماتیک بود. طی این تلاشها شورا توانست دامنه فعالیت سیاسی خود را به بازمی از کشورهای ایالات آمریکا، انگلیس و فرانسه نیز بگستراند. ملاقاتهای مسئول شورای ملی مقاومت با پادشاه اردن، رئیس جمهوری عراق و رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین از اهمی ویژه برخوردار بود.

چرا که ورود موثر و فعال جنبش مقاومت مسلحانه ایران به صحنه سیاست منطقه را گواهی میگردد. گزارش فعالیت های دیگر شورای ملی مقاومت در زمینه حفظ و گسترش رابطه با سازمانها و شخصتهای سیاسی خارجی، شرکت در کنفرانس ملی و بین المللی و نیز تماس با هم میهنان خارج کشور، هر یک در زمان خود، به آگاهی هم میهنان رسیده است و نیازی به تکرار آن نیست. در زمینه مصیبتات و موضع گیریهای شورای ملی مقاومت در سال گذشته تحریم انتخابات ریاست جمهوری رژیم و تصویب طرح "رابطه دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی با دین و مذهب" جای خاصی داشتند، زیرا اولین راه را برای مسلمانان گوناگون سازش با رژیم تحت عنوان "مسارزه قانونی و مسالمت آمیز"، میست و دومی به تمام دروغ پردازیها و شایعه سازیهای چند ساله مخالفان برای نسبت دادن قصد ایجاد "استبداد دینی" به شورای ملی مقاومت، به ویژه به سازمان مجاهدین خلق ایران، پایان میداد.

اما مهمترین و سرنوعت سازترین واقعه، یکسال گذشته، برای شورای ملی مقاومت و بطور کلی برای جنبش مقاومت مردمی، تصمیم تاریخی جلسه فوق العاده شورا در ۲۲ اردیبهشت سال جاری در مورد انتقال مقر مسئول شورا از فرانسه به کشور عراق، برای سازماندهی مقاومت مسلحانه از نزدیک بود. که این ترتیب توطئه های رژیم تروریست خمینی با شدتی محال امپریالیستی و آلت دست فرار دادن باند تسبیگار اقلیتش بر آب شد و ماهیست انقلابی و مردمی شورای ملی مقاومت همچنان تنها جانشین مستقل و دمکراتیک برای ایران پس از خمینی روشن تر گردید. در واقع وضع رو به زوال رژیم، به رغم هارتر شدن ظاهریش، شرایط بحرانی جامعه، گسترش موج ناراضیها و اعتراضهای مردمی و رشد بالندگی جنبش مقاومت مسلحانه داخل به جایی رسیده بود که آثار مرحله تازه ای از مبارزه برای سرنگونی رژیم در دستور روز جنبش مقاومت قرار میداد. به مسن پنج سال فعالیت مداوم و خستگی ناپذیر جنبش مقاومت در خارج کشور، رژیم خمینی در افکار عمومی جهان مگنی سزری و رسوا و در مجامع رسمی بین المللی به کرات محکوم شده بود. جنبش مقاومت مسلحانه، بعنوان قدرتمندترین نیروی مخالف رژیم و برخوردار از پایگاه وسیع مردمی، از طرف همه ناظران و محافل آگاه به وضع ایران شناخته شده بود. شورای ملی مقاومت، به عنوان اثرناثیر رژیم خمینی، وضع خود را تثبیت کرده و بدین ترتیب وظیفه سیاسی خود را در پشت جنبه به انجام رسانده بود. اینک میبایست به مرحله ای جدید از مبارزه برای سرنگونی رژیم گام نهاد و این مرحله، جز در جهت تشدید رومارویی مستقیم و گسترش نیروی آتش، برای پاره کردن سریع تر تور احتیاق و، در نتیجه، هموار کردن آخرین موانع برای قیام عمومی نمی توانست باشد. استقرار مسئول شورا و فرمانده نیروهای مسلح مقاومت در مجاورت خالد سپس، در

میان رزمندگان جنبش مقاومت، چنین امکانی را فراهم میساخت. از این رو حصول اتفاق آرا، در این تصمیم گیری خطیر و تاریخی در جلسه فوق العاده شورای ملی مقاومت، امری بدیهی و طبیعی بود. غافلگیری و سکوت اولیه رژیم در برابر این عزیمت جسورانه و سپس واکنش دیوانه وار بصورت حمله هوایی به یکی از پایگاههای مجاهدین خلق در مجاورت مرز در حکم اعتراف به شکست و واقعیت بازبود، اعتراف به این که تمام سیاست سرکوبگرانه، غیر انسانی این رژیم طی پنج سال گذشته با تمام ابعاد باور نکردنی و فاجعه باری که به آن داده، در برابر عزم راسخ رزمندگان راه استقلال و آزادی ایران بی اثر مانده و اینک جنبش مقاومت مسلحانه است که با شتاب بیشتر برای براندازی رژیم به پیش می تازد.

ورود مسعود رجوی مسئول شورا به بغداد و دیدارش با رئیس جمهوری عراق هم چنین، گامی تاریخی در جهت شکست طلسم جنگ افروزی خمینی بود و تحقق پذیری صلح عادلانه بین ایران و عراق را به اثبات رساند. اضطراب و نگرانی شدید محافل خارجی همدست خمینی و نیز لجن پراکنیهای جنون آسای زائده ها و دنباله های خارج کشوری رژیم در فعال این اقدام تاریخی و هم نوایی کامل آنها با حرکت به دلان رژیم شاهنشاهی، از لیزه در افتادن به مجموعه ارتجاعی امپریالیستی بی خبر می دهد که قدرت گیری یک نیروی مستقل و صلح طلب متکی به مردم را خوش ندارد.

ما در پنجمین سالگرد تاسیس شورای ملی مقاومت، با درود بی پایان به همه شهیدان و امیران مقاومت عادلانه مردم ایران، خاطره قیام ملی ۲۰ تیر را که به پیروزی جنبش استقلال طلب و آزادیخواه مردم ایران به رهبری محقق انجامید، گرامی می داریم و چشم انداز قیام پیروزمند مردمی دیگری را از نزدیکتر احساس می کنیم.

- سی تیر ۶۵
- محل امضاء سازمانها و شخصتهای عضو شورا:
- X استادان متعدد دانشگاهها و مدارس عالی کشور
- X جنبه دمکراتیک ملی ایران- هدایت الله متین دفتری
- X جمعیت دفاع از دموکراسی و استقلال ایران (دادا- جلال گنجی)
- X سازمان چریکهای فدایی خلق ایران- پیرو برنامه اهویت (هویت) - مهدی سامع
- X سازمان مجاهدین خلق ایران - سید محمود احمدی
- X کانون بوخندی اصناف- ابراهیم مازندرانی
- X اصغر امینی
- X سروش السیر
- X کاظم باقر زاده
- X حمید زبرکاش
- X هادی مهابادی
- X سنجهر خرازخانی و بلد امشای دیگر



**در تکمیل روتوزیع
آنتن سازمان
بکوشید**

اخبار کوتاه

اخبار داخلی:

رژیم جنگ امروز خمینی همچنان فشار خود را بر مردم برای گسیل آنان به جبهه‌های جنگ افزایش می‌دهد. در این رابطه پس از افزایش چشمگیر فرار از سرمازی و از جبهه‌ها، رژیم مقررات سختی برای غایبین وضع و پس از تهدیدهای مکرر، طی هفته‌های گذشته اقدام به دستگیری جوانان در خیابانها نموده است. همچنین محسن رضایی خائن فرمانده سپاه جهل خمینی در روز ۵ مرداد اسامی اعلام نمود که برای یکسره کردن کار جنگ اقدام به تشکیل "شوراهای نظامی" در روستاهای سراسر کشور می‌نماید. واضح است که این "شوراهای نظامی" چیزی جز گسیل فاولادهای حزب اللهی برای دستگیری جوانان روستایی و اعزام آنان به جبهه‌ها نیست. این سیاست ضد مردمی و ضد انسانی رژیم که هدف آن گرم نگه داشتن تنور جنگ‌شد ملی خمینی است، مسلماً با مقاومت مردم ایران روبرو خواهد شد. موج فرار جوانان از ایران که انعکاس بین‌المللی نیز یافته صحت این ادعای ما را ثابت می‌کند.

موج حمایت بین‌المللی از پزشکان ایران در مبارزه بر حقشان همچنان ادامه دارد. پس از استرداد مسئول شورای ملی مقاومت از نیروها و شخصیت‌های بین‌المللی برای جلوگیری از سرکوب پزشکان ایران توسط رژیم خمینی، بسیاری از نهادهای منفی پزشکان در کشورهای مختلف و نیز نهادهای حقوق بشری خواستار توقف سرکوب پزشکان توسط رژیم خمینی شدند. عضو بین‌الملل خواستار آزادی فوری ۲۰ تا ۳۰ پزشک زندانی شد. سازمان بین‌المللی دفاع از حقوق بشر، ضمن حمایت از پزشکان ایران خواستار توقف سرکوب پزشکان ایرانی شد. همچنین اتحادیه سراسری پزشکان استخدامی آلمان با ۴۸۰۰ عضو، گروه کار و روانپزشکی عضو بین‌المللی آلمان رئیس کمیسیون امور اجتماعی و بهداشتی مجمع پارلمانی شورای اروپا، پزشکان وابسته به اتحادیه کار ایتالیا، اتحادیه پزشکان وابسته به کنفدراسیون سیمون سیندکاهای کارگری ایتالیا، سازمان سراسری کلیسایهای پزشکی و بنیاد کند در کابادا، اتحادیه پزشکان آلمان که ۳۷ هزار عضو پزشک دارد، مجمع پزشکان انگلستان و ۱۰۰۰ از مبارزه پزشکان اسپران حمایت و پشتیبانی نمودند.

رفسجانی جنایتکار طی مقاله‌ای در نشریه سپاه پاسداران ارتجاع به تشریح سیاست ارتجائی صدور نیروییم پرداخت و کشورهای خلیج را تهدید سه انتقام نمود. مقاله وی که در روز ۵ مرداد اسامی از رامبو بخش شد بخوسی سیاست صدور ارتجاع رژیم را بنمایش می‌گذارد. رفسجانی خاش‌گفت "کشورهای جنوب خلیج فارس که حامی عراق هستند و عراق از منابع نفتی آنها تغذیه می‌کند باید بدانند که

اگر بنا باشد عراق از بول نفت عربستان و کویت و یا کشور دیگر اسلحه بخرد و مراکز نفتی ما را مسورد هجوم فرار دهد، این تجاوزات به حساب آنها گذاشته خواهد شد." رفسجانی جنایتکار به وعده وعیدهای توخالی پرداخت و برای سرپوش گذاشتن بر بن بست جنگ گفت "تعمیم گرفته‌ایم برای تمام کردن جنگ هزار گردان از نیروهای جدید تشکیل دهیم"

فخرالدین حجازی مزدور رژیم طی یک کنفرانس مطبوعاتی که در سفارت رژیم در پاریس برگزار شده بود در مورد روابط فرانسه با ایران چنین پاسخ داد: "به نخستین گامهایی را که فرانسه در جهت بهبودی روابط با ایران برداشته چگونه توصیف می‌کنید؟ چه ما از دولت جدید فرانسه متشکریم که سعی در رجوعی را از اینجا بیرون کرد."

به در باره اینکه فرانسه با ایران آشتی کند و در میان روابط دوستانه خود با عراق را ادامه دهد چه نظری دارید؟

چه فرانسه می‌تواند به روابط و مناسبات خود با عراق ادامه دهد ولی ما انتظار داریم اسلحه‌های را که موجب نابودی فرزندان ما می‌شود دیگر به عراق نروشد.

چه شما توانستید مسعود رجوی را از فرانسه بیرون کنید آیا دولت خمینی خواستار اخراج افرادی چون بختیار و اشرفی است؟
چه گفتار آنان برای ما چندان رضایی ندارد. مسأله اهمیت برای حرفهای آنان قائل نیستیم.

رژیم جنگ امروز خمینی برای داغ نگه داشتن تنور جنگ خانمانسوز خود به شکار جوانان در خیابانها و محلات می‌پردازد. مزدوران رژیم در مقابل گسترش نفرت مردم از جنگ و مخفی کردن فرزندان جوان خود دست به تهدیدهای گوناگون جهت شکار این جوانان می‌زند. سپاه پاسداران ارتجائی خمینی اطلاعیه ای در این مورد صادر کرده است مبنی بر اینکه "بدنبال انقضای قانونی معرفی مشولین غایب و با توجه به وظیفه قانونی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از هم وطنان درخواست می‌شود جهت تحقق عدالت و اجرای قانون مشولین، غایبین را به مراکز سپاه پاسداران و پایگاههای مقاومت بسیج سپاه در سراسر کشور معرفی کنند. همچنین به کلیه پایگاههای سپاه و رده‌های مقاومت بسیج سپاه در سراسر کشور ابلاغ شده است که نسبت به شناسایی و دستگیری مشولین غایب اقدام کنند."

در صفحه اخبار محرمانه روزنامه لوپوش خبر رسر درج شده است: (پلیس آلمان عدال) یک شبکه قاچاق را کشف کرد که منتظماً ایران را از تسلیحات و مباحث تغذیه می‌کرده و مقرش در مونیخ بوده است. اسرائیل می‌بایستی در این قاچاق که تا کنون مابعد شامل صدها میلیون مارک شده باشد، بعنوان فروشنده دست داشته باشد.

منابع آگاه در بن‌ناکید کردند که اکثر معاملات تسلیحاتی ایران و اسرائیل در شهر "هرتولیا" در نزدیکی تل‌آویو و ما تناس دو نماینده رژیم خمینی با فرماندهان عالی‌رتبه ارتش صهیونیستی منعقد می‌شود. روزنامه الثورة ۱ مرداد ۶۵

یک تاجر ایرانی مقیم امریکا بنام خسرو شفیع در دادگاه لس‌آنجلس اعتراف کرد که قصد داشته مبلغ ۴ میلیون دلار وسایل مخابراتی نظامی برای رژیم خمینی صادر کند. یک ایرانی دیگر نیز بنام هرمز نزار که همراه شفیع متهم گردیده، به جرم خویش اعتراف کرده. یک بازرگان آمریکایی و دستیار وی به موافقت برای فروش وسایل مخابراتی به شفیع و نزار اعتراف کردند. قرار بود جمعا دو هزار دستگاه مخابراتی به ایران ارسال گردد که دو سال پیش ۵۰ دستگاه از آن با مارک جعلی وسایل تلفن برای رژیم ارسال شد. رامبو اسرائیل

خریدهای تسلیحاتی ایران ماهیانه به حدود ۷۰۰ میلیون دلار می‌رسد و مخارج نظامی بلد سوم بودجه کشور را تشکیل می‌دهد. روزنامه الثورة

اخبار خارجی:

رامبو اسرائیل در برنامه فارسی روز ۲۹ تیر اسامی خود اعلام نمود که نماینده کنگره ملی افریقا، آقای هردن موسیک در کشورهای اسکانديناوی گفته است کنگره دست دوستی سوی اسرائیل دراز می‌کند و موقع اسرائیل در قبال رژیم افریقای جنوبی نظریه کنگره ملی افریقا را در مورد اسرائیل تغییر نمی‌دهد. نماینده کنگره ملی افریقا گفته است که در صورت پیروزی سهاپوستان در افریقای جنوبی، همه اهالی افریقای جنوبی و منجمله یهودیان آسی کشور متاوی الحقوق هستند و جای هیچگونه مگرایی در مورد آنان وجود ندارد.

بنوشته هفته نامه گرانسا، چاپ کوبا، خانسم بارماز از سیمون سائیده مجلس آلمان و عضو پارلمان اروپا در ماه ژوئیه بنا بدعوت جبهه پولیساریو از صحرای غربی بازدید و با محمدعباد لمریز، رئیس جمهوری دمکراتیک غربی صحرا و دبیر کل جبهه پولیساریو ملاقات نمود. وی تأیید و دوباره تاکید کرد که مساله صحرای غربی تنها در یک متد عادلانه و صلح آمیز بر اساس احترام واقعی به مردم صحرا در تعیین حق سرپوش بدست خودشان و تأیید استقلال آنان مسر خواهد بود.

اولیور تامبو رئیس کنگره ملی افریقا طی مسافرت اخیرش به انگلنس به دولت آمریکا و انگلنس هشدار داد که سیاست آنان در رابطه با جلوگیری از تحریم لیبه در صحنه

اخبار...

بقیه از صفحه ۴

اقتصادی رژیم نژادپرست افریقای جنوبی ، هرگز نمی‌تواند در اراده مردم افریقای جنوبی سرنگونی سرنوشتی این رژیم نژادپرست خلقی ایجاد کند . وی گفت اکنون بیش از هر موقع دیگری مبارزه مردم علیه اپارتاید به پیروزی نزدیک است .

اخبار مقاومت

۲۶/۴/۵۵ در جریان یک درگیری تیراگر میان گروهی از عوامل اطلاعاتی رژیم و مزدوران جنایتکار کمیتسه با رزمندگان مجاهد خلق در چهار راه منصور تبریز یکی از رزمندگان دلیر مجاهد خلق به شهادت رسید .
۱۸/۴/۵۵ طی یک نبرد حماسی و قهرمانانه میان یکی از رزمندگان مجاهد خلق با گروهی از پاسداران ضد خلقی در منطقه "لوشان" واقع در محور رشک تروین ، ۵ تن از پاسداران کشته و مجروح شدند . در این درگیری یک رزمنده مجاهد خلق بنام بهمن افسرانزه " فرمانده سیروس " به شهادت رسید .

۱۰/۴/۵۵ یک واحد از رزمندگان مجاهد خلق طی یک عملیات انقلابی درب ورودی پادگان عشرت آباد یکی از مراکز اصلی استقرار سپاه پاسداران رژیم خمینی را با پرتاب نارنجک جنگی مورد حمله قرار داده و آنرا در هم گویند .
۱۱/۴/۵۵ یک واحد از رزمندگان مجاهد خلقی در تبریز طی یک تهاجم انقلابی ، ساختمان بنیاد مسکن را که محل تجمع چافاداران حزب اللهی خمینی می‌باشد با پرتاب یک نارنجک جنگی در هم گویند .



درزندهای...

بقیه از صفحه ۸

مقاومت در مقابل جنس دژخمانی علیزاده دشواری های آن ، شکوه عظیمی داشت . قطعاً روزی بسیاری حقایق در مورد زندانیان رژیم جمهوری اسلامی و فشارها و شکنجه‌های قرون وسطایی و سی سابقه‌اش روشن می‌شود . ولی بدون شک خاطره بسیاری از موارد مقاومت و جانسازي مجریان این قهرمانیها که شاید نامشان را هم بر زبان بیاورند ، بعنوان اسرار مقاومت فاش نخواهد شد .

فکر! مشهور به قوطنیهای حاج داوود

حاج داوود مردور برای اینکه بتواند مقاومت و روحیه زندانیان را هر چه بیشتر در هم شکند ، در یکی از مکانهای نسبتاً برتر زندان که احتمالاً در گذشته داروخانه یا باشگاه بوده با چوب جاهایی مانند قفس ساخته بود . به این ترتیب که برای هر نفر طول و عرض در حدود ۶۰ در ۷۰ سانتیمتر با ارتفاع حدود یک متر و سی تا یک متر و نیم ساخته بود . چند روزی که من در این قفسها بودم ، نه می‌توانستم کاملاً بلند شوم و نه اینکه باهاتم را دراز کنم . تنها مواقع دستخوشی رفتم که آنهم در روز ۲ الی ۳ بار بود می‌توانستم کاملاً بلند شوم موقع خواب نمی‌توانستم دستها را روی راس می‌گذاشتم و بهانه‌هایی را روی دستها قرار می‌دادم و در تمام مدت تیر جستمند



محل اختفای یک تیم منافقین کشف و عده‌ای از آنها دستگیر شدند

۷- تیر ۲۸ روزن - بدستال پیغمبرهای مستتر اطلاعاتی و همساری مردم همیشه در صحنه استان گیلان ، محل اختفای یک تیم از منافقین در حاشیه جنگل آستانه اشرافه کشف شد .
به گزارش روابط عمومی وزارت اطلاعات محل اختفای منافقین واقع در یک طویله در حاشیه جنگل آستانه اشرافه کشف و چندین از عوامل مزدور دستگیر در حین درگیری معدوم شدند .
تا به این گزارش از جنگگاه این تیم که مدتی را در خاک رژیم صهیونیستی عراق تحت آموزشهای تروریستی قرار داشتند قادر بر مشاهده سلاح و مهمات و اسناد درون گروهی و همچنین کسب افراد مورد نظر برای تسور و تسهادهای مجلات منتقل کشف شد .
این روابط عمومی همچنین اعلام داشته است که تیر و پستهای مذکور حامل تسور تعدادی از افراد بگناه بودند که اساسی



حزب کار ایران طی یک اعلامیه بتاريخ ۲۷/۴/۵۵ اعلام نمود که یکی از اعضا کمیتسه مرکزی‌اش بنام محمد حسن حسینی توسط مزدوران رژیم خمینی اسدام شده است . محمد حسن حسینی یکی از مبارزان راه آزادی و یکی از فعالین جنبش کارگری و از فعالین سندیکای کارگران گج ساوان بوده که توسط دژخیمان ضد مردمی خمینی به شهادت رسیده است .

به چشم داشتیم . این نوع شکنجه روحی- جسمی باعث اختلال حواس ناشی از بیخوابی و خستگی عضلات و کمر درد شدید می‌شود تا جایی که موقعی که از قفس خارج می‌شدیم تا چندین روز پشت به حالت خمیده باقی می‌ماند . البته کسانی که حدود یک ماه می‌مانند دیگر هیچ وقت به حالت اولیسه چه از لحاظ روحی و چه از لحاظ جسمی بر نمی‌گشتند تا جایی که من حس می‌کردم در طول شب و روز مراغب با لای سرمان بود تا از تماسهای داخل قفسها جلوگیری نماید . در طول مدتی که من در این محفل بودم کوچکترین تماسی بین افراد قفس نبود ، واقعیت هم این بود که به علت فشار جسمی زیاد کسی حوصله تماس گرفتن و صحبت کردن را نداشت و هر کس در فکر این بود که زودتر خارج شود ، قفس رفتن جزای تبلیغ علیه جمهوری اسلامی و نقض قوانین بود که گزارش آن مسئولین بند به دفتر زندان فرستاده میشد برای خارج شدن از قفس هم تمهید کشتی لازم بود .

در اواخر سال ۶۳ یکی از مزدوران رژیم که مسئول رسیدگی به زندانیان کشور بود به قول حصار آمد برای اینکه وجود " قفس " را توجیه کند می‌گفت ما و شورای عالی قضایی از وجود چنین جایی خبر نداشتیم و خود حاج داوود اینها را درست کرده است .

له‌دوان درگذشت

روز ۱۹ تیر امسال ، رفیق لعدوان ، مدیر کسل کمیتسه مرکزی حزب کمونیست ویتنام در سن ۷۹ سالگی جان سپرد .

رفیق له‌دوان یکی از برجسته‌ترین یاران هوشی مین بود . وی سراسر زندگی خود را وقف مبارزه برای استقلال ، دموکراسی ، صلح و سوسیالیسم در ویتنام نمود . وی پس از پیروزی مردم شمال ویتنام ، فعلاً لانه در جهت ساختن سوسیالیسم در شمال ویتنام پیگیر می‌نمود . از لعدوان آثار تئوریک - سیاسی بسیاری بر جای مانده که جزیی از گنجینه غنی مارکسیسم لنینیسم می‌باشد . ما در گذشت این رفیق برجسته را به مردم ویتنام و حزب کمونیست ویتنام تسلیت می‌گوییم .

برخی از...

- ۱۹۵۲ - قیام افسران جوان مصر به رهبری جمال عبدالناصر فقید
- ۱۷۸۳ - تولد سمون بولیوار ، یکی از چهره‌های انقلابی و ملی آمریکای لاتین
- ۱۹۳۵ - کنگره هفتم کمیتسرن کار خود را آغاز کرد
- ۱۹۵۳ - حمله انقلابیون گویا به رهبری لیدل کاسترو به پادگان مونگار
- ۱۹۱۴ - آغاز جنگ جهانی اول
- ۱۸۹۵ - مرگ فردریک انگلس ، آموزگار پرولتاریهای جهان
- ۱۹۴۵ - بمباران اتمی " هیروشیما " و " ناکاراگسی " توسط دولت جنایتکار آمریکا
- ۱۹۷۵ - امضا و موافقت نامه هلسنکی توسط دولتهای اتحاد شوروی و آمریکا و تعدادی دولتهای دیگر

و نیز در مورد اینکه چرا باید تواین زندانیان را تحت آزار قرار دهند گفت: از این به بعد وضعیت تغییر خواهد کرد و کسانی که زندانیان را مورد اذیت قرار داده‌اند محاکمه خواهند شد . در این ایام برای اینکه جنایات انجام گرفته را به حاج داوود نسبت دهند وی را به اوین منتقل کردند البته مسئولیت ما لاتری را به ایشان داده بودند و مزدور دیگری به نام " منشی " که قبلاً مسئول زندان عادل آباد تیراز بود ، مسئول زندان فول حصار شد . این فرد برای مدتی در زندان تهمیراسی داد و فشارها را مقداری کاهش داد و نسبت تواین را مقداری کونسه کرد . اما این وضعیت زیاد دوام نیاورد و به اشکال مختلف به حالت قبل برگشت . در این ایام ما را به سندانج منتقل کردند و جریانات بعدی فول حصار را فقط از زبان کسانی می‌شنیدم که بعد از ما به سندانج باز گردانده شدند . ادامه دارد .

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

تلگرام...

بقیه از صفحه ۱

شده صورت می‌گیرد. رژیم خمینی در سالهای اخیر با اعزام اجباری پزشکان و ارسال امکانات دارویی و پزشکی به جیبهای جنگی که فقط خمینی بر ادامه آن اصرار دارد مردم ایران را از کمترین امکانات پزشکی نیز محروم کرده است و بر اساس گزارشات کاملاً موقف در صد مرگ و میر بیماران در اثربیماریهای کاملاً قابل علاج در ایران منحوس می‌سایم با لا رفته است. در سالهای اخیر اعزام اجباری پزشکان به جیبها نیز همواره مورد اعتراض آنان بسوده و پزشکان ایران از رفتن به جیبهای جنگنا مشروع و ضد میهنی خمینی تا حد امکان سر باز می‌زنند. همچنین پاسداران سرکوبگر خمینی تا کون به کرات بیماران و مجروحانی را که در بیمارستانها بستری بوده‌اند و حتی در آستانه عمل ضروری جراحی قرار داشته‌اند، تحت عنوان مقننین سیاسی از بیمارستانها با زور روانه شکنجه گاهها نموده‌اند که البته در هر مورد نفرت و اعتراض همه پزشکان و پرستاران و کادر پزشکی را برانگیخته است. علاوه بر آن در لیست اسامی بیش از ۱۲ هزار نفر از اعداام شدگان سیاسی (که سال گذشته سخمی از آن برای شما ارسال گردید) اسامی بیش از صد پزشک نیز در شمار اعدام شدگان سیاسی به چشم می‌خورد.

آقای دبیر کل،

بلا تردید شما در مقام دبیر کل سازمان ملل متحد از چگونگی جنایات رژیم خمینی که هیچ حرمی را به رسمیت نمی‌شناسد، مطلعید. از اعدام زنان باردار و کودکان خردسال و بیماران و پزشکان گرفته تا کشیدن خون زندانیان سیاسی و اعزام اجباری دانش آموزان به جیبهای جنگی. همچنین آگاهید که ۵۰ هزار شهید و ۱۲۰ هزار تن زندانی سیاسی بیابگر ابعاد سرکوب و وحشیانه رژیم خمینی است و میدانید که زندانیان سیاسی ایران تحت شدیدترین شکنجههای قرون وسطایی قرار دارند که در رژیم خمینی بصورت امری عادی در آمده است و هر روز بر تنوع این شکنجههای وحشیانه و شمار زندانیان سیاسی افزوده میشود.

امروز رژیم خمینی دست به جنایت جدیدی گشوده است که برای هموطنان تحت ستم و سرکوب مس در ایران عواقب بس وحشی در بر دارد. مقامات رسمی این رژیم درصددند که با وارد کردن اتهاماتی از قبیل "ضد انقلاب"، "تسلطگر" و "اجسی" به پزشکان آزاده و نوج دوست کشورم که به تعهدات بشر دوستانه و سرکند پزشکی خود وفادارند. وار سیاستهای سرکوبگرانه و جنگ افروزمی رژیم خمینی به جان آمده‌اند. ریزنه سرکوب، مستگیری و نحت فشار قرار دادن هر چه بیشتر آنان را فراهم سازند. عواقب این سیاست ضد بشری تنها دامن هزاران پزشک ایرانی را نمی‌گیرد و وضعیت میلیونها ایرانی مسر که با کوچکترین بیماریها در معرض مرگ قرار می‌گیرند ناری به توفیح ندارد.

آقای دبیر کل،

تردید

در کوچه‌ها جار زند
و ما بی هیچ نامی به کوچه ریختیم
دشمنه بارید و
خون جویید
به خانه آمدیم
در کوچه‌ها جار زند
"آسوده خوابید"
نخوابیدیم
و از پنجره‌ها به کوچه‌ها نظر کردیم
و خون را به سنگفرش دیدیم
و صبح فردایش خون را شستند
در کوچه‌ها جار می‌زنند
"سپیده"
باران من
چه می‌کنند؟

امین
۱۷/۳/۸۶

اخراج...

بقیه از صفحه ۱

میسر نیست. شعار کارگران ایران کار بدون سرنگونی رژیم و استقرار صلح و آزادی میسر نیست را باید وسیعاً در میان کارگران برد و کارگرایان را واحدهای مخفی مقاومت برای تحقق این شعار متشکل نمود. هر شعار و تاکتیکی که ساله اخراج کارگران را بدون سرنگونی و استقرار صلح آزادی مطرح کند، نه فقط هیچ گونه تفسیری در این وضع بیهوده نمی‌آورد، بلکه حتی از مبارزه موجود کارگران هم بسیار عقب تر است. کارگران ایران باید مسائل اقتصادی خود را در رابطه با سیاست حل نمایند. شعارهایی از قبیل اخراج در صلاحیت مجمع عمومی است و با شعارهایی صرفاً شکیبایی نیستی در این رابطه، نشان دهنده اپورتونیزم طرح کنندگان این شعار است. نیروهای انقلابی مقاومت در کارخانه‌جات و محلات کارگر نشین باید شعار "کارگران ایران، بدون سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی، نمی‌توان جلوی اخراج‌ها را گرفت" را باید وسیعاً تبلیغ کنند. همچنین در این رابطه باید کارگران و زحمتکشان را در واحدهای مقاومت متشکل نمود و با استفاده از تمامی اشکال مبارزه بر محور مبارزه سلححانه انقلابی، مبارزه برای سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی را ترویج نمود.

بنام مقاومت عادلانه و سراسری مردم ایران برای صلح و آزادی از شما می‌خواهم که برای جلوگیری از سرکوب پزشکان ایرانی و برای معانعت ارجحیستی که با کمترین مزارین بشری امضا می‌دارد. اقدامات عاجل مبارزانه بی به عمل آورند.

با احترام
مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت ایران
۱۵ ژوئیه ۱۹۸۶
روبوشت: علو بین الملل
روبوشت: ملت سرج جهانی
روبوشت: انجمن جهانی پزشکی
روبوشت: کمیسیون حقوق بشر بارلسان اروپا

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

نامه سرگشاده رئیس جمهور عراق به سردمداران رژیم خمینی و طرح صلح عنوان شده در این نامه گسه در اساس با طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران متنی بر پذیرش مرزهای شناخته شده بین المللی به عنوان سنای قرارداد صلح دائمی مطابقت دارد. یکبار دیگر به روشنی ثابت کرد دستیابی به یک صلح عادلانه در جنگ ایران و عراق کاملاً میسر بوده و کماکان تنها سالی که به رغم اشتناق روز افزون مردم ایران و عراق به استقرار صلح و حسن همجواری بر جنگ طلبی و کشتار اصرار می‌ورزد همانا رژیم تروریستی و ضد بشری خمینی است.

میانی عنوان شده در طرح صلح رئیس جمهور عراق از این پیشتر نیز در پاسخ رسمی دولت عراق به طرح صلح شورای ملی مقاومت ایران و دیدار صلح ماهین اینجانب و رئیس جمهور عراق مورد تأیید و تأکید قرار گرفته بود.

اما واکنش تنگین، ضد میهنی و ضد مردمی سردمداران رژیم دجال خمینی در برابر پیام صلح طرف عراقی، که باز هم تکرار نعره‌های مشعشر کننده "جنگ جنگ تا نابودی" بود تعجبی بر نمی‌انگیزد. چرا که رژیم ضد مردمی خمینی در سراسر سقوط محتوم و در محاصره انواع بحرانیهای اقتصادی و به ویژه در برابر مقاومت اعتلا یافته انقلابی و مردمی، که جای هیچ گونه تردید در پیروزی نهایی تنها الثراتیست مستقل و دموکراتیک یعنی شورای ملی مقاومت ایران، باقی نمی‌گذارد. برای خروج از بن بست تمام عیسار خود چاره‌ی جز تاکتیک ملامت باز "فرار به جسر" و افزودن بر دامنه جنگ طلبی نیافته است تا تابند بدینوسیله موقتاً بر بحرانیهای لاعلاج درونی و بیرونی خود سرپوش بگذارد.

اما یکبار دیگر تکرار می‌کنم که رژیم خمینی از این همه جنایت و جنگ افروزی و دجالیت طرفی نخواهد بست و شعارهای استراتژیکی صلح و آزادی که هم زمان از سینه تمام مردم ایران و از لولسه تفنگهای عموم مجاهدان و رزمندگان مقاومت بر می‌خیزد طناب دار حاکمیت تنگین خمینی و رژیم پوسیده ضد انسانی است که بدون جنگ و اختناق و بدون شکنجه و تیرباران هرگز بر سر با نخواهد ماند.

مرکز بر خمینی

زنده باد صلح و آزادی

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

مسعود رجوی ۱۴ مرداد ۱۳۶۵

۴۰ ساعت کار،

دو روز تعطیل در هفته

حق مسلم کارگران است

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای تو ده ای شکست ناپذیر است

مطبوعات خارجی

کنگره بین الملل سوسیالیست

منبع: گرانما - چاپ کوبا
تاریخ انتشار: ۶ ژوئیه ۸۶

بین الملل سوسیالیست با انعقاد قراردادهایی پیرامون مسائل مهمی که امریکای لاتین و بطور کلی تمام دنیا را نگران خویش ساخته است به کار خویش پایان داد. یکی از موضوعاتی که بیش از همه توجه سوسیال دمکراسی را جلب نمود، مسئله قروض خارجی امریکای لاتین و کلاً تمام جهان سوم بود که در حال حاضر نزدیک به هزار میلیارد دلار است. کنگره در تحلیل خود جیمهای اساسی آنرا خاطر نشان ساخت. در مرحله اول خطر بزرگی که این وامها نه تنها مفروضین، بلکه قدرتهای وام دهنده را تهدید می نماید که وامهای کشورهای فقیر بطور کلی انشاء شود و برای دیگر کشورها مدت زمان ۳۰ ساله ای برای پرداخت آن وقت داده شود، خاطر نشان ساختن این نکته از طرف بین الملل سوسیالیست گواه واقعیتی غیر قابل انکار است که وامهای جهان سوم غیر قابل پرداخت می باشد. علاوه بر این خواستار این است که پرداخت وامها در چهار چوب درآمد این کشورها که فقط در صورت بوجود آمدن یک وضعیت جدید در اقتصاد بین المللی که مانع از روابط نابرابر این کشورهای ثروتمند و توسعه نیافته بشود، محدود گردد. یکی از جنبه های بسیار مهم تحلیل کنگره بین الملل سوسیالیست که در "گزارش لیما" به چشم می خورد ارتباط بین قروض و دیگر مشکلات روابط اقتصادی بین المللی و خلق سلاح جهانی است، که با گسترش خطر آن موجب از بین رفتن دنیا خواهد شد در حال حاضر یکی از ضروری ترین احتیاجات جامعه بشری می باشد. با از بین رفتن منابع تسلیحاتی و صرفه جویی بودجه آن، القوا و وامهای خارجی کشورهای جهان سوم بدون اینکه موجب بحران در اقتصاد جهانی شود، بطور عملی ممکن خواهد شد و در عین حال موجب کاهش رقم بکاری نیز می شود. توجه به این دو مشکل اساسی و به هم پیوسته نه فقط به نفع بخشی از جهان، بلکه به سود تمام دنیا

می باشد. با این وجود، تحلیل بین الملل سوسیالیست فوراً مورد اعتراض سخنگویان جناحهای چپگت طلب و در راس آنها دولت رونالد ریگان قرار گرفت. با توجه به این مسئله، در یک سکوت مطبوعات و رسانمهای گروهی ایالات متحده در رابطه با کنگره بین الملل سوسیالیست بسیار آسان است. با دفاع از صلح و خلق سلاح جهانی توسط بین الملل سوسیالیست بسیار طبیعی بود که آزمایشهای هسته ای و طرح نظامی کردن فضا را محکوم نماید (همانطور که محکوم نمود) و طرفدار احترام به بیامیهای بسته شده در ارتباط با سلاحهای استراتژیک و سیستمهای آنتی بالستیک حالت ۱ و ۲ باشد. تحلیل این موضع مسلماً این نیست که کنگره به نفع اردوگاه سوسیالیست طرح صادر کرده است، بلکه گویای واقعیتی است که هر روز بیش از پیش روشن می شود، که اتحاد شوروی و متحدانش با قطع آزمایشهای هسته ای بطور یکطرفه آغاز نموند، در حالیکه ایالات متحده دقیقاً بر عکس آن عمل نموده است. البته فقط مسئله وامهای خارجی و خلق سلاح جهانی موجب نگرانی هواداران استعمار و نظامیگری نشده است، بلکه پشتیبانی کنگره از یک راه حل صلح آمیز در امریکای مرکزی که ایالات متحده برای جلوگیری از آن از همه طریق بوسیله سیاست خصما نهادن نسبت به کنگام اکوئه کوشش می کند، همچنین موجب عصیان آنها خواهد آوره است. کنگره رژیم نژاد پرست آمریکای جنوبی را محکوم نمود و از حق استقلال کاملاً میسر اجزای طرح ۲۳۵ سازمان ملل متحد حمایت نموده همچنین رژیمهای دیکتاتوری در شیلی و پاراگوئه را نیز محکوم نمود. قراردادهای کنگره بین المللی سوسیالیست شاهده بر این مدعا است که چگونه هر روز بیش از پیش سیاست استعماری و برتری جویانه نظامی، که توسط ایالات متحده اجرا می گردد در بین بخشهای مختلف سیاست جهانی تبدیل ماهیت خطرناک، ناعادلانه و بی مسئولیت آن ضروری می شوند.

سرفصل حادثه

بمناسبت ۳۰ خرداد ۶۵

گاه، زمان
تیرتر از چشمان همیشه تاریخ
بخت حمار یک لحظه
در کوتاهترین وقت
به راهبان چشم می دوزد
و شتابان تر از پاسخ یک نگاه
راه می طلبد.

دستهایی که به پیشواز حادثه رفتند
در امتداد حادثه
در نقطه ی تحول یک فصل
در فاصله تنگه نیمروز
بلوغ رفتن در قمر ماه را
به چشمانی همه گفتند.
هر چه راه بود
هر که راهی
و خلق را در بلوغ حادثه دید
در فاصله تنگه نیمروز
در صحنه انتخاب ماندن و رفتن
با ماند

بخت درجه ی بسته
و در هوای مرگ خود نفس کشید
با رفت
رفتن شکر،
با پشتوانه اعتماد لشکر خلق

هر چه باک بود
هر چه باکی
بر کوه درد
در رستان بیخ بسته و سرد
ره سپرد

در کوتاهترین دقایق
در محکمی سیاه بی ترمان
در کوتاهترین دقایق
بر تیرها بوسه زد
و تف کرد

به ساکنان بخت درجه بسته
آنانکه
طومار قتل شرف را
برای پیر بی شرفان خواندند
و در قلب حادثه
بی هیچ با سخی
سوار اسپهای بادی شکل
تا منتهای رذالت رانندند.

در سر فصل حادثه
هر چه خوب بود
هر چه خوبی
جر باندگ بر صلابت تفنگ
جر پاسخ بیدرنگ
- به زمان -

صبح نبود
در امتداد شوک بر صلابت آن بانگ
اینگ
طومار عشق و رهایی
در دستهای کست؟

اردیبهشت ۶۵
احمد - الد

کاریکاتور راجع به جنگ ایران و عراق در روزنامه
"ال یاس" ۲۹ ژوئیه ۸۶ به چاپ رسیده است.
ترجمه متن داخل کاریکاتور: "باز جای شکرش باقی
است که اسلح، سال جهانی صلح است!"



تحول انقلابی ...

مردم با رژیم و فدرسمند بودن مقاومت انقلابی هر
گونه چشم انداز تحول رفرمیستی را سلب کرده است.
مقاومت انقلابی در مقابل خود سازماندهی رومسی
توده ها را باید قرار داده تا بزرگ تحول انقلابی
را تسریع نماید. بخش های وسیعی از مردم چشم به
نیروهای انقلابی مقاومت دارند و اسان را نیروهای
نیرومند در صحنه که قادرند هر گونه توطئه را خنثی
نمایند. می دانند. باید به مردم نشان داد که راهی
جز حضور خود آنان در کنار مقاومت انقلابی برای
سویکدن سرمدن این رژیم فزون و مطامی وجود ندارد.
چشم انداز تحول ما حسن تعبیر کشی در وضعیت
نیروهای مقاومت کاملاً روشن خواهد شد و انقلاب
جبری خواهد شد که همه آنرا باور خواهند کرد.

این است معنی واقعی "نه شرقی نه غربی"
توضیح: این اعلامیه توسط رفقای هوادار سازمان
در تهران تکثیر و پخش شده است.
در روزنامه کیهان، چهارشنبه ۲۲ آبان ۱۳۶۴ تیتیر
زیر با حروف درشت به چاپ رسیده است: "ایران

شننامه‌های مقاومت

بزرگترین تامین کننده نفت کره جنوبی است. به
گفته مقامات کره‌ای در ۹ ماهه مذکور (۱۹۸۵) ایران
توانست با تامین ۱۷ در صد از ۱۶۶/۶ میلیون بشکه
نفت وارداتی آنها در جای عربستان سعودی به عنوان
بزرگترین فروشنده نفت به کره جنوبی قرار گیرد، در
حالیکه سهم عربستان سعودی به ۷ در صد از این
بازار پایین آمد.

این را وزارت نفت و دولت خدمتگزار سرمایه داران
یکی از "افتخارات" جمهوری اسلامی می‌شمارند و
آنها در کنار سایر اصطلاح دستاوردهای "انقلاب
اسلامی" قرار داده‌اند. برای کسانی که از ماهیت
رژیم ارتجاعی استبدادی و امریکایی کره جنوبی و
موقعیت این رژیم بعنوان پایگاه و زادبوم امریکا
در منطقه جنوب شرقی آسیا اطلاعی نداشته باشند،
شاید این تشبه بوجود آید که واقعا "افتخاری" کس
شده است. اما بزرگترین تامین کننده نفت رژیم کس
وابسته به امریکا شدن نه تنها افتخاری نیست، بلکه
خائنانه است آشکار به منافع خلقهای ایران و کره
و خجری است از پشت پر بکر نهفت‌های آزادیبخش
منطقه. این عمل خدمتی است واضح و بی چون و چیرا
به منافع امپریالیسم امریکا و سگان زنجیری آن، سا
قرار دادن این "دستاره" جدید در کنار رواسط
مستحکم جمهوری شیادان با رژیم ارتجاعی ترکیه
و دیگر اقمار امپریالیسم امریکا و همچنین رواسط
نزدیک رژیم استبدادی خمینی با امپریالیسم غارتگر
ژاپن و دول امپریالیستی اروپایی، چهره واقعی
سیاست باصطلاح "نه شرقی نه غربی" این دارودسته
شیاد آشکار میشود و پرده از تبلیغات دروغین آنها
و ادعاهای "مذ استکباری"شان بر می‌دارد. واقعت
این است که در شرایط کنونی جهان و با وجود بحران
فزاینده سرمایه‌داری، اقمار وابسته به امریکا در

موقعیت وحشی فرار گرفته‌اند و ساززات گسترده
خلقهای تحت ستم و کارگران جهان می‌رود تا این
رژیمهای وابسته را یکی پس از دیگری سرنگون سازد.
در چنین مقطعی است که رژیم خمینی تحت لیسوی
"خود کفایی اقتصادی" به باری آنها شافته است

و می‌کوشد با بر باد دادن سرمایه‌های ملی ایران
و دسترنج زحمتکشان بر عمر ننگین این رژیمهای
وابسته بیافزاید. در پرتوی همین سیاست خیانتکار
رانه است که خاسنه‌ای دم از صدور چهار میلیون
بشکه نفت در روز را می‌زند و دستگاہهای تبلیغاتی
رژیم از "اختراع" اسکله شانور" سخن می‌گویند
و لاف خود کفایی اقتصادی را می‌زنند.

چهار میلیون بشکه برای که؟ اسکلهای شانور برای
چه؟ برای حفظ رژیمهای وابسته به امپریالیسم امریکا
این رژیم خود فروخته کار را به جایی رسانده که
در خدمت به منافع امپریالیسم امریکا گوی سفت را
از عربستان نیز رسوده و با بهایی نازلتر نفت را بر
باد می‌دهد و با وقاحت تمام هنوز دم از "مسند
امریکایی" بودن می‌زند. ننگ و نعرت بر این
دغلیزان.

مردم تهران ایران، کارگران و زحمتکشان آزادخواه
این رژیم مستبد اگر بحال خود گذاشته شود، همه
چیز را بر باد خواهد داد. نسلهای آینده را نیز به
خاک سیاه خواهد نشاند. جلوگیری از این فاجعه
ممکن نیست، مگر با سرنگونی این رژیم و قطع همه
بندهای وابستگی به امپریالیسم و کسب استقلال
واقعی. صفوف خود را مستحکم کنید و برای قیام
مسلحانه علیه این دارودسته خودکامه و غاصب گنه
برای بقا خود حاضر به هر جنایت و خائنانه است
آماده شوید.

مرکز بر غارتگرات و بر باد دهندگان سرمایه‌های ملی
جاودانه باد خاطره شهیدان بخون خفته خلق

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو
برنامه هویت (تهران)

نامه...

بقیه از صفحه ۱

می‌باشد. دولت هلموت کهل در ضد است با تصویب
این قانون محدودیت های وسیعی در مقابل متقاضیان
پناهندگی ایجاد کند و این سلسله بر هم میپاشد
که از گشتارگاه خمینی فرار کرده‌اند بیشترین فشار
را وارد خواهد کرد. ما ضمن اعتراض به اینگونه
قوانین و محدودیتهای نژاد پرستانه از همه
هم میپشان مبارز می‌خواهیم که بهر شکل ممکن برای
جلوگیری از تصویب این قانون نژاد پرستانه اعتراض
نموده و با انبوه پناهندگان و بویژه با هوطنشان
ایرانی اظهار همبستگی نمایند. در زیر نامه جمعی
از ایرانیان متقاضی پناهندگی در آلمان غربی را برای
اطلاع هم میپشان مبارز چاپ می‌کنیم.



مسئولین محترم نشریه نبرد خلق

همانطور که اطلاع دارید و در بسیاری از
رسانه‌های خبری آلمان فدرال و نیز در نشریات
اپوزیسیون آمده است، دولت آلمان فدرال در نظرس
دارد در ماه سپتامبر ۱۹۸۶ لایحه‌ای در مورد محدود
نمودن حقوق پناهندگان به تصویب پارلمان آلمان
برساند. نظر به اینکه محتوای این لایحه صریحا
مخالف با حقوق مسلم انسانی است و در صورت
تصویب لطغات شمیدی به متقاضیان پناهندگی در
آلمان فدرال وارد خواهد ساخت، و از آنجا که نسا
زمان طرح این لایحه در پارلمان حدود یکماه بیشتر
باقی نمانده است، ما - جمعی از ایرانیان ساکن
استان بادن ودرتمبرگه - بر آن تصمیم تا از طریق یک
رشته تلاشهای قانونی، اقداماتی در جهت جلوگیری
از تصویب لایحه مذکور بعمل آوریم. لذا از شما
مخیرا خواهشمندیم قسم درج این نامه در نشریه (سا
خبرنامه) خود، صدای اعتراض قانونی ما را به گوش
سایر هوطنان، تمامی احزاب، شخصتها، مجامع
و نهادهای مترقی، دمکراتیک و حامی حقوق بشر در
آلمان و نیز در سطح بین‌المللی برسانید.

با تشکر فراوان

جمعی از ایرانیان متقاضی پناهندگی ساکن استان
بادن-وورتمبرگه - آلمان فدرال

۲۶ جولای ۱۹۸۶

روزنمایی...

بخش از صفحه ۹

برخوردها و رابطه‌های زندانیان را زیر نظر می‌کنند
و بعد از انعام نگهبانی گزارش رد می‌کنند. اگر در
سورد کسی گزارش می‌نوشتند کوچکترین مجازات این
بود که دستبوسی رفتن طرف را قطع می‌کردند.
۳- جاسوسی کردن داخل اتاقها: هر اتاقی ۲ یا ۳ نفر
نواب عشی داخلش بود. این جاسوسان ناچار خورد
ها و حرکات و زندگی ما را گزارش می‌کردند.
۴- گزارش به مسئولین زندان: از مبهترین کارها -
شان گزارش نویسی بود. هر وقت کسی حکمتش تمام
می‌شد و برای مشاهده می‌رفت. نوابها تک‌تک در
موردشان گزارش رد می‌کردند و از آراء ستم‌وی
مناصبه می‌کردند مگر آنکه فرد مورد نظر نواب
می‌بود.
۵- کتک زدن داخل بند: همچنین ما اجازه مسئول

زندان هر کسی را که می‌خواستند حسابی می‌زدند و
با سر یا تکه می‌داشتند. مسئولیت فروتگسناه
و تقسیم نان و غذا داخل بند. که در این مورد نسر
بیشترمانه آنچه که سهم واقعی مینه بود نمی‌دادند و
زمانی که گناره نام هم در بند گیر نمی‌آمد ایشان
به اندازه ریاضی نان داشتند.

اشتغالات زندانیان

بطور کلی اشتغالات زندانیان در داخل بند عبارت
است از: ۱- روزنامه خواندن: روزنامه خواندن یکی
از اشتغالات زندانیان بود این مسئله نیز بشخصت
نحت کنترل بود. همین صورت که: اولاً وقتش
روزنامه‌ها بدست مسئول واحد می‌رسید و رهایی گنه
مربوط به مسائل جامعه و بعضی اوقات مربوط به
جلسه نمایندگان مجلس بود. را از روزنامه هاجسدا
می‌کرد و بعد از آن تحویل زندانیان می‌دادند. مسئله

مگر در رابطه با خواندن روزنامه این بود که اگر
فردی روزنامه نمی‌خواند مارک تحریم مطبوعات
دولتی را و اگر کسی روزنامه را زیاد می‌خواند مارک
تعطیل گر و ۱۰۰ قیره را به ایشان می‌زدند و برایشان
درد سر درست می‌شد. ۲- مطالعه کتاب: کتابهایی
که در زندان بود عبارت بودند از کتابهای مذهبی
اعم از سیاسی، فلسفه، اخلاقی، عسده‌ای از
زندانیان برای شناخت از اسلام و مذهب مطالعه
می‌کردند.

آچه از همه این موارد مهم‌تر بود، این بود
که زندانیان آگاه همواره به ساززه مردم و شهسدا
نگر می‌کردند و سعی می‌کردند بهر ترتیبی شهسدا
هم تکسته بشوند. زندانیان انقلابی از هر وسیله و
ابزاری برای حفظ روحیه خود در مقابل ستم‌دترسی
و بی‌سابقه‌ترین فشارها استفاده می‌کردند. براساس
بخش از صفحه ۹

در زندانهای ...

بقیه از صفحه ۱۰

اعضایمان همه خرد شده بود وقتی برنامه شروع میشد در ابتدا سرودی خوانده میشد به محض صدا فرآوردن این آهنگ همه ضریبان قلسمان با لا میرفت و حالست و حجت زده پیدا می کردیم.
" مصاحبهها "

قانون دیگری که در زندانهای تحت سرپرستی دادستانس مرکز اوین بود و زندانهای مرکزی خوانده میشدند (قرل حصار، گوهر دشت، اوین) این بود، هر کسی زندانی که فرار بود آزاد بشود و یا حکمش تمام می شد می بایست مصاحبه و بمشرو انجام دهد، چند روز قبل از مصاحبه یک برگه که در آن نام خانوادگی و اتهام و در پایان سوال آیا حاضر هستید مصاحبه کنید در آن نوشته شده است را برای زندانی می آوردند اگر کسی این برگه را امضا می کرد بعد از مدتی به مصاحبه میرفت و اگر امضا نمی کرد بعد از چند روز حکمی برایش می آوردند و تا توبه نمی کرد آزاد نمی شد. طبق این حکم، مصاحبه در سالن واحد ۳ انجام می شد و از طریق تلویزیون مدار بسته در سراسر زندان پخش می شد. در مصاحبه مسئول زندان (حاج داوود) و کسانی که حاضر به مصاحبه شده بودند حضور داشتند. حاج داوود از ایشان چنین سوالاتی می کرد:

نام و نام خانوادگی و اتهام، انگیزه جذب گردید و وابسته به آن، آیا از موضع قلبی برگشته ای، چیرا و چگونه و با چه کاری ثابت کرده ای؟ البته مصاحبه فقط حالت شکستن روحیه زندانیان را داشت و چون سرنویست زندانی را مسئول بند در داخل بند تعیین می کرد. اگر مسئول بند ایشان را تایید نمی کرد و گزارش برایش رد می کرد، آزاد نمی شد و اگر فرد توانیبود و همکاری عملی کرده بود آزاد می شد. تقریباً از ۹۵٪ زندانیان که حاضر به مصاحبه بودند تنها ۵ درصد آزاد می شدند و بقیه می بایست باز بمانند و توبه کنند و بعد از شش ماه سزار از ایشان مصاحبه می گرفتند. اگر همکاری کرده نبود یعنی گزارش نویسی کرده بود و اطلاعات خود را می داد، قبول می کردند و آزاد می شد. اما اگر ترقی نگرفته بود باز می بایست بماند. بعضی ها که تن به خیانت و جاسوسی نداده بودند ۲ سال از اتهام حکمشان گذشته بود و هنوز آزاد نشده بودند روز به روز بر تعداد این افراد افزوده می شد اما تعدادی افرادی که برای مصاحبه می رفتند اظهار پشیمانی (ندامت) می کردند. تقریباً از آذر به بعد محدودی فشار روحی و جسمی وارد می کردند که از همه بدتر همان آن بر سر آیم و نمی دانم ما چه کلماتی آنرا بیان کنیم. کتک زدن و سر با تگ داشتن، سزار دادن، عدم رندگی جسمی کردن و هواخوری داشتن. از یک سو ویدئوهای آموزشی و مصاحبه ها و از سوی دیگر افتخارهای اختیاری بعضی از اعضا مسئولین گروهها که البته تعداد آنان زیاد نبود و از سوی دیگر اظهار ندامت رهبران بودهای هار و حیدر مقاومت را روز بروز ضعیف تر می کرد و اسس دوران را می دوران رکود می نامیم که در بخش اوضاع سیاسی بند توضیح کافی خواهم داد.

" وضعیت سیاسی بند یک واحد بند"
الف: وضعیت عمومی - وضعیت سیاسی مستدرا از

زمانی می نویسم که وارد بند شدم. آن زمان که مسا وارد بند شدم، بعثت عمومی بودن بنده و آزادی بودن هوا خوری تمامی افراد بند بطوری با هم در ارتباط بودند. هواداران تقریباً همه گروهها وجود داشتند. در بین نیروهای غیر مذهبی فدایی، پیگاری و کومله بیشتر بودند. در این ایام بیشتر اوقات در داخل سلولها بحث های مختلف عمومی اما مخفیانه وجود داشت. رابطه افراد بند با هم خیلی نزدیک بود. طرز برخورد همه اتاقهای مخالف رژیم تقریباً یکی بود. در کل در این ایام: "جو" بند در دست مخالفین رژیم بود و توابعین به آن صورت قدرت و نیرویی نداشتند. کمتر کسی توبه می کرد و مسا می برید. در کنار همه این مسائل روزی نبود که عده ای را به زیر ۸ احضار نکنند و ایشان نکنند. معمولاً روزهای بعد از ملاقات روزهای کتک بود و چند روز مانده به ملاقات دیگر کسی را نمی زدند و اگر کسی مرتکب گناهی می شد بعد از ملاقات کتک می خورد. وضعیت بر همین منوال می گذشت و کم کم فشارهای روحی و جسمی زیادتر می شد. در اتاقها را بستند و شرایط سختی را که قبلاً ذکر کردم پیش آوردند.

اهمیت کرنها و دلایل آن در بند یک قبل از توضیح چگونگی اهت کرنها ابتدا دلایل آن را می نویسم. از همان روز اول ورود به قرل حصار با طرح سوالاتی از طرف مسئولین بند و جوابهای ما شروع شد. اصطلاح موقع ما را خوانند. گر چه هنگام پرسش و پاسخ سعی می کردند حس را آزاد و نامود کنند اما فقط برای این بود که آنچه جرم هر وجودی کسی است در بیاورند. بعد از چند ساعت صحبت با همسپهرانی که قبل از ما به قرل حصار منتقل شده بودند، فهمیدیم که یکی از دلایل مهم اهت کرن بر حسب ضد انقلاب زدن، نماز نخواندن می باشد. کلان نماز بخوان را سر موضع می دانستند و تمام افرادی که نماز نمی خوانند در هشت اتاقی آخری بودند که نسبت دو برابر به نماز خوانها داشتیم. دومین جرم برای کسانی بود که نماز نمی خوانند اما همکاری نمی کردند. این افراد در اتاقهای کوچک بودند و با رژیم همکاری نمی کردند. اما بدلیل ترس یا مصالحی نماز می خوانند. این عده نسبت به افرادی که در اتاقهای برتره رندگی می کردند وضع راحت تری داشتند و روی آنها رساد حساس نبودند. علاوه جرم همه اهت و آزار کرنها دو مورد ذکر شده بود. البته هیچوقت علناً به جرم نماز نخواندن و یا همکاری نکردن کسی را اهت نمی کردند بلکه تحت نامهایی چون رندگی کموسی کرن و نقش قوانین، برخورد با نگهبان و غیره بود. تقریباً ماهی ۲ الی ۵ بار سالی حدود ۳۰ تا ۴۰ نفر را از پشت بلندگوهن بند می خوانند و سپس به زیر ۸ می بردند در آنجا قبل از هر چیز چشمانشان را می بستند و سر با می بستیم، بعضی اوقات ۳ یا ۴ روز بلانکس رفیر ۸ می ماندیم و سپس ما از بند خارجمان می کردند برای کتک خوردنهای مفعول و مسا اینکه داخل بند کار می شد. البته در تعدادی دوران سر با ایستادن میلی و سخت و لگد زدن بود و گاهی اوقات تعداد زیادی می پوش می بستند. بیشتر اوقات که به جرمهای مختلف رفیر ۸ می رفتیم

از بند خارجمان می کردند و سر با و چشم بسته رو به دیوار می ایستادیم. شب که می شد حدود ساعت ۱۱ تا ۲ و ۳ بکدهغه با چوبهای آماده (دسته تی) سه جانمان می افتادند و حدود یکساعت پشت سر هم می زدند و تا چوبها خرد نمی شد دست بردار نمی شدند جدا از زدن با چوب، باهایمان را باز می کردند و با لگد می زدند. بیشتر بچهها با این نوع زدن می پوش می بستند. لازم به تذکر است که در اغلب این زدنها خود حاج داوود رحمانی شرکت فعال داشت. این کتکها بعدی تکرار شده بود که مسا اندازه ای عادی شده بود. روزی نبود که تعدادی زیر ۸ نباشند و سر با شکسته نشوند. عوارض سر با ایستادن ورم کردن باها تا چندین روز بود، کمر درد از عوارض آن بود. از نظر روحی نیز کسی که یک روز بیشتر سر با می ایستاد کنترل خود را از دست می داد و ناآگاهانه بعضی حرکتها می کردو یا خیلی اوقات به زمین می خوردو بلندش می کردند و با در ایسن هنگام با کتک مقداری حالتش جا می آمد. اما در این لحظات کتک خوردن سود خوبی داشت. چون ز حالت خواب بیرون می آمیم و حاضر به امضای اجباری تعهدات از پیش نوشته شده نمی شیم. در اینجا لازم می دانم از مبارز شهید جمیل شریعتی یاد کنم که بعثت چنین فشارهای جسمی و روحی زیاد بعد از مدتی دچار مریضی شد و در بیمارستان قرل حصار جان باخت. وی یکی از اعضاء تشکیلات مخفی کومله در شهر سمنجان بود (یادش گرامی باد). سر با لگه داشتن بین ۱ روز تا یک هفته بود. لازم به تذکر است که ۸۵ درصد کسانی که هر بار زیر ۸ می رفتند و کتک می خوردند کردها بودند.

" مجریان"
مجریان تمام برنامهها کنترل بند، جاسوسی کردن مسئول بند، کتک زدنهای داخل بند، گزارش نویسی توابعین بودند. آنچه به داخل بندها مربوط می شد دست توابعین بود. اما مواقعی که برای زدن از بند خارج می شدم و به اصطلاح به زیر ۸ واحد می بردند پاسدارها خودشان می زدند. این توابعین خود فروخته گاه از آش داغتر بودند. نمونههای زیادی می دانم می آید که خود پاسدارها از زدن دست کشیده بودند اما موقع بازگشت به داخل بند با وجود اینکه خود حاج داوود می گفت کسی حق زدن ندارد اما توابعها به جانمان می افتادند. از کارهای دیگر آنها جاسوسی کردن در قرنطینه بود. قرنطینه جای نسبتاً بررگی بود. هر گاه زندانی چند وارد قرل حصار می شد ابتدا آنجا می بردند تا بتوانند توسط توابعین آنها را شناسند. توابعین را قبل از زندانیان تازه وارد به قرنطینه می بردند و سپس زندانیان دیگر را فاطمی آنها می کردند. به این ترتیب در اثر برخورد و معاشرت آنها را می شناختند که سر موضع هستند و به زبان آنها ضد انقلاب هستند یا خیر. برای اینکه بیشتر عملکرد آنها را توضیح داده باشم تمامی وظایف و اعمالی که توابعین می کردند در زیر خواهم نوشت:

- ۱- مسئول بند بودن - مسئول بند معمولاً کسی است که مورد اطمینان کامل مسئول زندان است و لاقلاً باعث اعدام چند نفر شده باشد. ۲- نگهبانی دادن: در تمام ۲۴ ساعت در داخل بند ۳ الی ۴ نفر نگهبان بودند و بقیه در سلولها

در زندانهای خمینی ⑤ گزارشی از یک رفیق

توضیح:
آنچه در زیر می‌آید، گزارش خامی از تنظیمی
روانمایی رژیم خمینی در تاریخهای گوناگون است که
توسط یکی از رفقا تهیه شده است و طی چند شماره
از نظر خوانندگان مبارز چرنگه - ما در چاپ این
گزارش از نظر نام بعضی افراد زندانیان را سلب
گوناگون خودماری کرده و تنها حرف اول نام و تعلق
سازمانی آنها را ذکر می‌کنیم - این گزارش از
تابستان ۱۳۶۱ تا اواخر سال ۶۲ را در بر می‌گیرد -

"ویدئوهای آموزشی"

یکی از موثرترین برنامه‌هایی که در زندانیان حاکمات
روانی ایجاد می‌کرد برنامه‌های طولانی ویدئو بود
بجز روزهای جمعه بقیه روزها از ساعت ۸/۳۰ تا
ساعت ۱۲ و ۲ تا ۳ می‌بایست داخل سلول بدون
حرکت و بدون صحبت نشسته و به برنامه‌های آموزشی
که شامل فلسفه و اخلاق بود گوش فرا دهیم. البته
حتی توابع نیز از این برنامه‌ها خسته و بی‌قرار
بودند اما باز می‌بایست قانون عدم حرکت و صحبت
و خواب را رعایت کنیم. اگر کسی صحبت میکرد و یا
می‌خواست استنشاق را یادداشت می‌کردند و از رفتن
به دستشویی منع می‌شد، و گزارش گوش ندادن به
ویدئو را نیز می‌نوشتند. بعضی روزها نیز کلاس
برنامه به اصطلاح آموزش نبود می‌بایست به محاسبه
زندانیان گوش کنیم. فشار این برنامه‌ها بعدی بود
که اغلب زندانیان حالت های روانی پیدا می‌کردند،
از بس که چرت می‌زدیم و بیدارمان می‌کردند دیگر
بقیه در صفحه ۹

مراسم بخاک سپاری نیما

روز جمعه اول اوت ۸۶، نما میرزا زاده نرنگ
شاعر گرانقدر نعمت میرزا زاده در میان اندوه جمع
کثیری از هموطنان مقیم فرانسه، در گورستان پرلاتز
به خاک سپرده شد. نیما حدود ۲ ماه قبل در بسک
حادثه مشکوک، جان سپرد. وی مدت کوتاهی (حدود
۲ ماه) بود که توانسته بود مخفیانه از ایران خارج
شود. نما یکی از هواداران مجاهدین خلق بود که
در ۳۰ خرداد ۶۰ بدست پاسداران خمینی زخمی شده
بود و توانسته بود از چنگ آنان بگریزد. وی از سال
۶۰ تا سال ۶۴ در ایران زندگی مخفی داشت. پس از
ورود به فرانسه وی مشتاقانه منتظر حل مسائل
اداری خود، برای بازگشت به جبهه‌های مقاومت
انقلابی مسلحانه بود. در مراسم خاک سپاری نیما،
بدرش اعلام نمود که ما تمام قدرت جریان پیرونده بزرگ
مشکوک نیما را بیگیری خواهد کرد. در این مراسم
همچنین تعدادی از سازمانهای سیاسی با پیامهای
خود یا خانواده نما اظهار همدردی و همدستی
نمودند.

سازمان ما طی پیام کوتاهی به تأخر مبارز همین نما
نعمت میرزا زاده و شرکت در این مراسم، باد فریاد
مقاومت انقلابی مردم ایران، نما را کرامی داشت.

برخی از رویدادهای تاریخی

داخلی:

۱۳۵۸ - انتشار اولین شماره نشریه مجاهد پس از
انقلاب بهمن
۱۳۶۳ - حمله مزدوران رژیم خمینی به اعتصاب کارگران
کارخانه کانا داترای و مخون کشیدن این اعتصاب
۱۳۸۸ - آغاز جنبش مردمی برای تحقق مشروطیت
۱۳۶۰ - آغاز کار رادیو صدای مجاهد
۱۳۶۰ - شهادت مجاهد قهرمان محمد رضا سعادت
۱۳۴۷ - شهادت ملا آواره (احمد شلماشی) شاعر مبارز
خلق کرد

۱۳۸۸ - اعدام آخوند ارتجاعی شیخ فضل اله نوری
۱۳۴۲ - رفزاندوم دکتر محمد مصدق برای انحلال مجلس
ارتجاع و شرکت میلیونها نفر از مردم ایران در این
رفزاندوم

۱۳۸۵ - در ۱۴ مرداد انقلاب مشروطه به پیروزی رسید
و فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه امضا شد
۱۳۷۵ - اعدام میرزا رضا کرمانی از مبارزین مشروطه
خواه توسط دژخیمان مظفرالدین شاه
۱۳۶۲ - شهادت کاک اقبال کریم نژاد از فرماندهان
پیشروگان حزب دموکرات کردستان ایران و ۱۶ پیشرو
دیگر در درگیری با مزدوران رژیم

۱۳۵۸ - اشغال دفتر سازمان فدایی در خیابان فدایی
(بیکمه سابق) تهران توسط مزدوران رژیم
۱۳۴۲ - شکست توطئه کودتای اول شاه علیه دکتر
محمد مصدق و فرار شاه
۱۳۴۴ - تیرباران تعدادی از اسرا مبارز وابسته به
حزب توده
۱۳۴۴ - قیام اسراان خراسان

۱۳۱۹ - درگذشت نقاش برجسته ایران کمال الملک
۱۳۵۷ - فاجعه آتش سوزی سینما رکس
۱۳۴۲ - کودتای بنگین امپریالیسم آمریکا و انگلستان
علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق و سقوط این دولت
۱۳۵۸ - اعلام جهاد خمینی علیه خلق کرد
۱۳۴۱ - تصویب لایحه اختیارات دکتر مصدق در مجلس
سنا
۱۳۱۲ - حمله مزدوران رژیم رضا شاه به مردم در مسجد
کوهر شاه

خارجی:
۱۹۶۱ - تاسیس جبهه ساندیست علیه در دست

برای دریافت نبرد خلق

و سایر انتشارات سازمان با

آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

فرانه <

شهادت فدایی مرداد ماه

برای فتح قله‌های
پروازت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به برابری؛
یامرگ پیوستی.

رفقای فدایی:

زین العابدین رشتجی - غلامرضا با نژاد - حبیب
الهیاری - محمد صفاری آشتیانی - عباس جمشیدی
رودباری - داریوش شفاعیان - عباسعلی شریفیان -
قدرت الله شاهین سخن - فرزاد صیانی - عبدالکریم
عبدالله پور - فراسرز شریفی - مهدی فضیلت کلام
مهدی یوسفی - حسن کهل - ابراهیم جلالی - فیروز
صدیقی - ونداد ایمانی - گوردز همدانی - جبهانخست
پابداری - جمیل اکبری آذر - جمشید پور قاسمی - مرتضی
(امیر) فاطمی - بیژن مجنون - هادی حسین زاده کرمانی
زهرا فرمانبردار - عظیم برعتی - مسعود جعفر پسر
فریدون شافعی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده - احمد
زهرم - سعید مهر شکاری - هرمز کرچی بیانی

اطلاعیه مسئول شورای ملی
مقاومت
احضار کوتاه

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه
رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، بسا
مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی
سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض
رسد و یا فتوکپی آنرا به یکی از آدرس های سازمان
ارسال دارید.

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME. TALAT R.T.
2817 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE